

رسید مزده که ایام غم نخواهد ماند چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند
فرارسیدن عید سعید نوروز سال ۱۳۹۲ شمسی را به تمام ایرانیان و مسلمانان مخصوصاً فقرای سلسله‌ی
جليله‌ی نعمت‌اللہی گنابادی (وقفهم‌الله) تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

فصل بهار که دگرگونی و حیات طبیعت است و مراسم عید نوروز که در این فصل قرار دارد و یادگار حضرت
زرتشت پیامبر (علیه‌السلام) و عُرف بیشتر ملت ایران است و از طرف پیشوایان دین مبین اسلام هم مورد تأیید قرار
گرفته است و حضرت امام صادق (علیه‌السلام) نیز دعایی برای زمان تحویل سال فرموده‌اند، همه دارای اشارات
عرفانی و تربیتی می‌باشد. در همین دعا که به فرموده‌ی حضرت به درگاه الهی عرضه می‌داریم: ای دگرگون‌کننده‌ی
دلها و دیده‌ها و ای اداره‌کننده‌ی شب و روز و ای تغییردهنده‌ی نیروها و حال‌ها، حال ما را به بهترین حال تغییر ده،
اشاره به آن است که زمام همه‌ی امور به دست خداست و باید او را بخوانیم و او را بخواهیم و هر گونه تغییر و
اصلاح را ابتدا از خود شروع کنیم و بهترین حال که در این دعا درخواست شده است و سرچشمه‌ی تمام اعمال و
گفتار ماست، حالی است که مورد پسند خدا باشد و آن حال جز با خدا بودن و به یاد او بودن، نیست که یاد خدا
آرامش‌بخش دل‌هاست و زُداینده‌ی تیرگی‌هاست. پس با عنایات الهی و استمداد از باطن اولیای حق و عزمی راسخ و
اراده‌ی قوی، دگرگونی را از خود آغاز کنیم. در حلول سال جدید همانطور که خانه و محل زندگی خود را از آلودگی‌ها،
نظافت نموده و منتظر و آماده‌ی پذیرایی میهمانان هستیم، دل را به یاد خدا مشغول داریم و تن را به طاعت او
بگماریم و در خدمت به بندگانش بکوشیم و سعی کنیم درخت تنومند و سر به آسمان ایمان را که موهبتی الهی
است و خداوند به واسطه‌ی این موهبتش بر مؤمنین منت نهاده را با پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک آبیاری
نماییم تا میهمان غیبی همراه با نسیم حیات‌بخش بهاری که نغمه‌ی خوش‌امید و عشق و سعادت و کامیابی را به
دل‌های ما می‌وزد، در خانه‌ی دل نزول اجلال فرموده و دل و جان ما را حیات طیبه بخشیده و نورانی نماید.
مولوی (علیه‌الرحمة) همین بهترین حال را به زبان و تعبیر خود از خدا درخواست نموده و آن را ریشه و اصل همه‌ی
خوشی‌ها دانسته و فرموده است:

ای اصل اصل هر خوشی در جان من خوشتر درآ

امیدوارم خداوند مهربان این سال را برای همه‌ی هموطنان، مسلمانان و فقرا سالی با برکت و خیر و سعادت و
موفقیت و تکامل صوری و معنوی و رفع همه‌ی مشکلات و گرفتاری‌ها عنایت فرماید.

در آغاز سال جدید نیز همچون سال‌های گذشته، توجه فقرا را به نکاتی هر چند مکرر جلب می‌نمایم و انتظار
دارم پیوسته آنها را مورد نظر و توجه خود قرار دهند:

۱ - احکام شریعت، حافظ و نگهدارنده‌ی آداب باطنی و طریقت است و احکام قلبی و طریقت، روح اعمال و
وظایف شرعی می‌باشد لذا پیوسته تقید به اجرای احکام شریعت اولین قدم در سلوک الی‌الله و از امتیازات این

سلسله‌ی جلیله بوده و هست و سالکین الی‌الله با انجام وظایف شرعی و مراقبت و عمل به آداب طریقت، به حقیقت که معرفه‌الله است، می‌رسند.

۲ - حضور در مجالس فقری شب‌های جمعه و دوشنبه که پیوسته مورد تأکید بزرگان بوده است، در این زمان اهمیت بیشتری دارد که فقرا با حال توجه و سکوت و رعایت نظم و آداب مجلس فقری، شرکت نمایند تا علاوه بر بهره‌های معنوی، موجب همدلی و وحدت بیشتر و رفع مشکلات و استجاب دعا گردیده و خشنودی خدا و اولیائش در این است و فقرا که بانی مجلس فقر را حضرت مولی می‌دانند در تمام شهرهای داخل و خارج از کشور هر کجا مجلس فقری است حتی اگر با صاحبخانه هم اختلاف سلیقه‌ای دارند، نباید موجب عدم حضور آنها در مجلس فقری شود و بدانند که: لحظات انعقاد مجلس زیربنای اصلی عظمت ولایت بزرگان است.

۳ - گفتار و رفتار مشایخ و مجازین سلسله، هم در بین فقرا و هم طالبین راه و هم در نظر معاندین و مخالفین فقر بیشتر مورد توجه است. لذا انتظار آن است که وحدت رویه و محبت و احترام به یکدیگر را رعایت نموده و از آنچه موجب ایراد و اعتراض خاص و عام می‌گردد، احتراز جویند و در تألیف قلوب بکوشند.

۴ - چون مکتب تشیع حقیقی و سلوک تصوف، پیروی از ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) است، اقدام به هر امری منوط به اجازه‌ی از بزرگ زمان می‌باشد لذا تفسیر قرآن و توضیح مطالب عرفانی فقط باید از جانب کسانی که مأمور و مجازند، صورت گیرد. بنابراین کسانی که اجازه‌ی صریح و رسمی در این مورد ندارند، از سخنرانی و تفسیر و توضیح خودداری نمایند. فقرا هم چنانچه به این افراد مراجعه نموده یا مطلبی پرسیدند و جوابی شنیدند آن را به عنوان نظر و برداشت شخصی بدانند.

۵ - باید توجه داشت، گاهی تعبیراتی که در بین بعضی گروه‌های اجتماعی وجود دارد، در مورد فقرای این سلسله نیز به کار می‌رود که صحیح نیست. از جمله‌ی آنها عبارت «فراخوان» است، این روش در بین فقرا معمول نبوده و نیست و ما در این سلسله فراخوان نداریم زیرا مؤمن آنگاه مؤمن واقعی است که همچون وجود برادر ایمانی خود باشد تا هرگاه بر یکی از اعضا دردی یا گرفتاری پیش آمد سایر اعضا به جنبش درآیند و آگاه شوند همانطوری که پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه وآله وسلم) فرموده است: «الْمُؤْمِنُونَ كَنَفْسٍ وَاحِدَةٌ» و مولوی (علیه‌الرحمة) در توضیح این حدیث شریف می‌فرماید:

جان گرگان و سگان از هم جداست	متحد جان‌های شیران خداست
همچو آن یک نور خورشید سما	صد بُود نسبت به صحن خانه‌ها
لیک یک باشد همه انوارشان	چون که برگیری تو دیوار از میان
چون نماند خانه‌ها را قاعده	مؤمنان مانند نفس واحده

۶ - آنچه معمول شده است که با تلفن همراه پیام‌هایی را می‌رسانند و اعلام می‌کنند که از طرف قطب سلسله صادر شده است، همه‌ی فقرا بدانند که هرگاه دستوری صادر شود و لازم‌الاجرا باشد بطور صریح از طرف بزرگ وقت به همه ابلاغ خواهد شد. بنابراین به امثال این پیام‌ها که ممکن است از طرف افراد ناآگاه بوده یا از

ترفندهای دشمنان فقر باشد توجه ننموده و اشاعه ندهند.

۷ - اینکه در بعضی رسانه‌ها، شخص یا اشخاصی با عنوان سخنگوی این سلسله معرفی می‌شود، صحیح نیست. باید توجه باشند که در این سلسله ممکن است افرادی مجاز به سخنرانی در مجالس یا مناسبت‌های مذهبی باشند ولی شخصی به عنوان سخنگوی سلسله نداریم.

۸ - بنای استوار و اصل ثابت فقر و درویشی و مکتب تصوف، صلح و صفا و محبت و وفا به تمام بندگان خدا است و شفقت به خلق خدا از تعهدات ایمانی همه‌ی مؤمنین می‌باشد. خوشبختانه در این زمان، این حقیقت بر جهانیان روشن شده است که فقرا با همه در صلح هستند. ما با کسی سر جنگ نداریم و اهل فتنه و آشوب نیستیم. اما در دوستی مانند آب زلال و در دفاع از مکتب خود استوار و همچون سنگ خارا می‌باشیم. درویش فقط باید با هواهای نفسانی و شیطان درونی خود پیوسته در مجاهده باشد و باید بر خود مسلط باشیم که در این صورت به وظیفه‌ی ایمانی خود، عمل نموده و سرنوشت خود را رقم می‌زنیم. ما حکومت بر دل را قابل مقایسه با حکومت بر گِل نمی‌دانیم زیرا حکومت بر دل پیوند با ابدیت دارد و حکومت بر گِل فناپذیر است.

۹ - کدورت و اختلاف فقرا با یکدیگر خطا است و مانع خیر دنیا و آخرت می‌گردد و نیز طبق آیه‌ی شریفه‌ی: وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ (آیه ۴۶، سوره انفال)، «نزاع و اختلاف با یکدیگر نکنید تا سست نشوید و قدرت و شوکت و آبروی شما از بین نرود» نهی صریح از آن رسیده است. پس فقرا از هر گونه گفتار و رفتار نابجایی که موجب کدورت و رنجش می‌گردد، خودداری نموده و پیوسته با یکدیگر طریق محبت و مودت را پیمایند. در آغاز سال جدید هم اگر دو مؤمن کدورتی با هم داشته باشند با صفای قلب با یکدیگر مصافحه نموده و خشنودی خدا و اولیائش را بر خشنودی شیطان برگزینند:

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافرست رنجیدن

۱۰ - پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ازدواج و تشکیل خانواده را عزیزترین بنا و ساختمان در نزد خدا فرموده است و طلاق جز در موارد ناچاری، مبعوض خدا و رسول و موجب از هم پاشیدگی خانواده‌ها و سرگردانی فرزندان می‌گردد، پس لازم است زن و شوهر با دو اصل قرآنی مودت و رحمت این بنیان را محکم و این کانون را گرم نگه‌دارند و از طلاق و جدایی که متأسفانه در جامعه افزایش یافته، اجتناب نمایند و در تربیت کودکان که مرتباً آینده‌ی جامعه خواهند بود، تلاش نمایند تا مشمول برکت و رحمت الهی گردند و نیز قواعد مربوط به حرمت‌های سببی و نسبی را رعایت کنند.

۱۱ - فقرا در تمام مسائل مادی، دنیوی، انتخاب همسر، شغلی، خانوادگی، پزشکی به آقایان مشایخ مراجعه نمایند و از آنها دستور قطعی و امرانه نخواهند و آقایان مشایخ هم در این امور مداخله و اظهار نظر ننمایند، بلکه بیشتر به تربیت معنوی و عرفانی فقرا بپردازند و فقرا هم چنانچه در این گونه موارد، اظهار نظری شد آن را به عنوان امر و نهی شریعتی یا طریقتی تلقی نکنند و مسائل زندگی و امور دنیوی خود را با به کار بستن نیروی تعقل و تفکر و در صورت نیاز با مشورت با افراد آگاه و متخصص در آن مسأله حل نمایند و حتی الامکان نیاز به استخاره هم جز در

